

# کپی ارزشی از سند اصلاح‌طلبان

**نورا حسینی**؛ مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهری تهران در اسفند ماه ۱۴۰۰ با انتشار گزارش آسیب‌شناسی برنامه پنج ساله سوم شهر تهران به صراحت در بخش نتیجه‌گیری بر این مسئله تأکید می‌کند که «اصلاح سوم توسعه برای تحقق شعار «تهران، کلان‌شهر الگوی جهان اسلام» نیازمند بازنگری در برنامه و اصلاح شاخص‌های برنامه عملیاتی آن است» و حالا در آستانه پایان مرداد ۱۴۰۱ اعضای شورای شهر تهران درحالی که ۲۰ ماه تا پایان برنامه سوم توسعه شهر تهران که شورای پنجم آن را تصویب کرد باقی مانده است، طرح سند الزامات تدوین برنامه چهارم شهرداری تهران را تهیه و ارائه کردند تا شهرداری تا پایان مهرماه یعنی تا کمتر از ۷۰ روز آینده لایحه این برنامه را به شورا ارائه کند.

بهرروز شیخ‌رودی معاون محاسبات و پایش عملکرد شورای پنجم با اشاره به این موضوع به «شرق» گفت: ظاهراً بر اساس توافقاتی قرار است برنامه شهردار تهران در چارچوب لایحه‌ای سازمان‌یافته به شورا ارائه شود تا شورا با تصویب برنامه آقای شهردار زمینه‌های اجرایی و عملیاتی‌شدن آن را هم قانونی کند و هم اولویت‌بخشی، تجهیز منابع و جهت‌گیری‌های شهرداری در اجرای آن را تأیید کند وگرنه تهیه و تدوین برنامه چهارم توسعه شهر تهران که تهیه و تدوین برنامه‌های اول تا سوم آن هر یک حداقل یک سال زمان برده است از الان تا پایان مهرماه ۱۴۰۱ با این توصیفات‌ی که شورای شهر در روند تدوین آن مدنظر داشته است مثل مشارکت ذی‌نفعان کلیدی، نخبگان، نیروهای جهادی مسجدمحور، گروه‌های اندیشه‌ورز و… شدنی نیست و اگر هم بشود چیزی به نام برنامه توسعه نیست، بلکه برنامه‌های شهردار و عملیاتی‌شدن آن در فرم لایحه به شورا ارائه می‌شود و این اولین بار است که علناً یک شورا و شهردار برنامه مصوب و قانونی را برای حاکم‌کردن ایده و برنامه خود کنار می‌نهند!

شیخ‌رودی با بیان اینکه این سند سیاست‌های برنامه چهارم توسعه تهیه‌شده توسط شورای ششم یک کپی اختصاصی‌شده با اصلاحات و واژه‌های ارزشمند و انقلابی از مصوبه شورای پنجم است، گفت: امیدوارم احکام برنامه چهارم توسعه مدیریت شهری کپی دست چندی از برنامه سوم یا برنامه‌های قبلی نباشند و تهیه‌کنندگان برنامه واقعا به سیاست‌هایی مثل جمع‌نویسی و استفاده از گروه‌های اندیشه‌ورز و… پایبند باشند، در گزارشی که مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران درباره آسیب‌شناسی برنامه پنج ساله سوم توسعه شهر تهران تهیه کرده است شاهد آن هستیم که احکام و مواد برنامه با سیاست‌ها و کلان‌پروژه‌های برنامه آقای راکانی تطبیق داده شده و نهایتاً نویسندگان چنین نتیجه گرفته‌اند که «با توجه به اهمیت به‌کارگیری آموزه‌های اسلامی در برنامه‌های توسعه شهر تهران، به نظر می‌رسد برنامه سوم توسعه برای تحقق

شعار «تهران، کلان شهر الگوی جهان اسلام» نیازمند بازنگری در احکام و اصلاح شاخص‌های برنامه عملیاتی آن است.» این مدل آسیب‌شناسی یک برنامه و حتی تطبیق برنامه توسعه با برنامه‌های یک فرد که بعداً مسئول شده است در هیچ دوره‌ای از دولت یا شهرداری سابقه ندارد و واقعا تعجب‌برانگیز است.

**۳۰درصد برنامه‌ها عملیاتی می‌شود**

درصحن شورای شهر تهران هم برخی از اعضا به عملیاتی‌شدن برنامه‌های چند ساله انتقاد کردند. مهدی چمران معتقد بود نباید هنگام تدوین برنامه آرزوهایمان را در آن بکنجانیم و به دنبال ایدئال‌هایمان در برنامه‌ها نباشیم.

ناصر امانی هم گفت که در مدیریت شهری تاکنون سه برنامه داشتیم. یک سری کارها مثل برنامه‌نویسی یک رویه و عادت شده؛ مثلاً اگر یک مجموعه، سازمان یا وزارتخانه برنامه نداشته باشد گویی به‌روز نیست و نمی‌تواند این ادعا را بکند که چشم‌انداز و برنامه دارد و مطابق برنامه عمل می‌کند. اینکه این رویه‌ها چه حاصلی برای کشور یا مدیریت شهری داشته و کدام بخش آن عملی شده و بر زمین نشته، تنها چیزی است که معمولاً کمتر درباره آن صحبت می‌شود. به نظرم وحی منزل نیست و می‌توانیم درمورد اصل اینکه لازم است در مدیریت شهری برنامه چند ساله داشته باشیم یا نداشته باشیم صحبت و نقد کنیم و ایرادی ندارد و محل آن در این جلسه است.

امانسی اضافه کرد: برنامه اول هیچ‌گاه عملیاتی نشد و وقتی به اسناد مدیریت شهری مراجعه می‌کنیم چیزی به عنوان برنامه اول نداریم. برنامه دوم با حضور شما و بنده به عنوان یک سرباز معاونت برنامه‌ریزی در شهرداری برای بازه زمانی از سال ۹۲ تا ۹۷ تدوین شد. یک مجموعه دانشگاهی معتبر به اضافه مرکز مطالعات شهرداری تهران متولی نوشتن این برنامه شدند. برنامه‌ای که هیچ رطب و یاسی در شهر و شهرداری نبود که در این برنامه از آن نام برده نشده باشد. از مدیریت آب‌های سطحی و قنات‌های زیر زمین شهر تا هوای شهر تهران. همه چیز در برنامه کمی و

هم کیفی دیده شده بود اما حداکثر ۳۰ درصد از این برنامه اجرا شد.به گفته امانی منابع و اختیار محدود شورا روز به روز کمتر می‌شود، نبودن مدیریت یکپارچه شهری و نحوه روابط بین مدیریت شهری با دولت و نهادهای حاکمیتی ضعف‌های ساختاری و خلاهای قانونی نحوه تنظیم برنامه در مدیریت شهری است و تا این موارد برطرف نشود حتی اگر بخوایم یک برنامه دو ساله بنویسیم سرنوشت آن همین گزارش می‌شود و مطمئن باشید حتی در شورای امام حسینیم» باشد و این اقدام را انجام دهد. شرکت‌های هواپیمایی در راستای مسئولیت اجتماعی خود کمک کنند و پاکبانان را به کرپلا منتقل کنند.

**۲ رایته که اتحاد را شکست**

روز گذشته انتخابات هیئت رئیسه شورای شهر تهران برای سال دوم برگزار شد، در جلسه هم‌اندیشی اعضای شورای شهر هم‌پیمان شده بودند که همان ترکیب سال نخست را با ۲۱ رأی تمدید کنند هرچند انتقادهایی به دو منشی اول و دوم مطرح بود و برخی نیز دوست داشتند خود را برای جایگاه منشی‌ها کاندیدا کنند اما درنهایت تصمیم بر این می‌شود که برای نمایش اتحاد، رأی یکدست داده شود. اتفاقی که برای رئیس، نایب‌رئیس و منشی اول می‌افتد و مهدی چمران و پرویز سروری و جعفر شریبانی با ۲۱ رأی برگزیده می‌شوند اما سوده نجفی با ۱۹ رأی به عنوان منشی دوم انتخاب شده و دو عضو حاضر نمی‌شوند که بر عهد خود وفادار بمانند.

**شیطان صفتان از موضوع اربعین سوءاستفاده می‌کنند**

همچنین در جلسه روز گذشته شورای شهر تهران اعضا با هزینه‌کرد ۳۰ میلیاردی شهرداری برای پیاده‌روی اربعین موافقت کردند.

مهدی عباسی در این جلسه با بیان اینکه شیطان‌صفتان از موضوع اربعین برای کینه‌توزی خود استفاده می‌کنند، گفت: یک موکب کوچک ممکن است در عراق ۱۰ میلیارد تومان هزینه داشته باشد. ما باید بدانیم ۳۰ میلیارد تومان اعتبار پیش‌بینی‌شده در چه بخش‌هایی هزینه می‌شود.



وی با بیان اینکه تا لیست پیوست برای این لایحه در نظر گرفته نشود، شبهاتی وجود خواهد داشت، گفت: کسی که در پیاده‌روی اربعین به عنوان خدمتگزار شرکت می‌کند از امکاناتی که در تهران وجود داشته چشم‌پوشی کرده و در این فضا خدمات‌رسانی می‌کند.

مهدی اقراریان، رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورا نیز گفت: شهرداری می‌تواند محور پوشش «نتر سلامت» و دیگر پوشش‌ها همچون «من جاروکش نهضت امام حسینیم» باشد و این اقدام را انجام دهد. شرکت‌های هواپیمایی در راستای مسئولیت اجتماعی خود کمک کنند و پاکبانان را به کرپلا منتقل کنند.

**ایدمی قطع درخت در تهران**

در این جلسه ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران هم طی تذکری گفت: متأسفانه شاهد رویه و ایدمی قطع درختان در تهران هستیم. بار دیگر یکی از مراکز علمی و دانشگاهی کشور اقدام به قطع درختانی کرده است. عکس منتشرشده مایه تأسف بود زیرا درختانی با آن قطر که در گزارش ادعا شده بود خشک شده‌اند، اثری از خشک‌شدن در آنها ندیدیم. افراد حقیقی، سازندگان و کسانی که می‌خواهند یک برج بسازند و تمعداً درختی را خشک یا قطع می‌کنند علتش روشن است اما وقتی یک قطع عمومی و علمی و دانشگاهی که نام مقدس یکی از معصومین را با خود دارد چنین کاری می‌کند غیر قابل قبول است. در گذشته هم این مرکز ۱۱ درخت را قطع کرده و جریمه شده بود و یک ریال جریمه را پرداخت نکرده و دوباره بهانه آورده که درختان خشک بودند. در قانون به هیچ عنوان هیچ‌کس اجازه ندارد به هیچ دلیلی درختی را قطع کند. قطع و جابه‌جایی درختان فقط باید توسط شهرداری انجام شود. آن هم نه توسط شهرداری منطقه، بلکه توسط سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهرداری تهران و با مجوز کمیسیون ماده هفت آن هم در فصل مناسب؛ اما این موضوع رعایت نمی‌شود. مابقی مردم نیز جری می‌شوند وقتی می‌بینند در مرکز زلزله‌نگاری درخت قطع شد و درگیری هم پیش آمد اما مشخص نشد پرونده آن به کجا رسد.

سود به‌اصطلاح کارآفرین‌ها و سمن‌ها خارج هستند. آنها بدون بیمه و شرایط اولیه کار و از سنین کودکی مجبور به کار هستند و نظارتی بر آن اعمال نمی‌شود. همچنین زنان از منابع طبیعی زیست خود نیز دور مانده‌اند. بحران آب، زنان و کودکان را در چرخه خشونت زیست‌محیطی گرفتار آورده است. کودکان و زنان زیادی در این سال‌ها در هوتک‌ها (کودال‌های جمع‌آوری آب مشترک بین انسان و دام) غرق شده‌اند. در مناطق دورافتاده‌تر، زنان باید برای دسترسی به آب شرب روزانه مسافتی طولانی را در گرما پیاده‌روی کنند. انواع بیماری‌ها از دیگر پیامدهای کمبود منابع است که زنان را در برابر بحران‌های زیست‌محیطی آسیب‌پذیرتر کرده است.

در فقدان آموزش و بهداشت رایگان همگانی و غفلت از بحران‌های زیست‌محیطی (که خود خشونت‌ی آشکار نسبت به هر مرد و زن است)، در کنار عوامل فرهنگی، سنت و عرف، جامعه‌پذیری خشونت علیه زنان تشدید می‌شود. گرچه فعالان بومی تلاش‌های زیادی در سال‌های اخیر کرده‌اند تا این خشونت‌ها مرئی نشود، اما در فقدان بسیاری از امکانات زیست انسانی اولیه، مناسبات طایفه‌ای پیشامردن، تنها حلقه اتصال و حس تعلق افراد به اجتماعی بزرگ‌تر است که می‌تواند به بازتولید مناسبات مردسالاری و سرکوب زنان دامن بزند. درواقع سنت و عرف حاکم در فقدان قوانین سخت‌گیرانه به فرد خاطی برای اعمال خشونت احساس امنیت می‌دهد که یا مستقیماً به قتل زنان می‌انجامد، یا زنان را به خودکشی به شیوه‌های گوناگون سوق می‌دهد یا خشونت پشت درهای بسته بدون حمایت‌های اجتماعی و نهادی تحمل می‌شود و ادامه می‌یابد. عموماً خشونت علیه زنان اگر به قتل یا خودکشی منجر نشود از بستوی خانها به بیرون درز نمی‌کند، مرئی نمی‌شود و عادی تلقی می‌شود. درواقع در مواجهه با خشونت علیه زنان با طیفی از مسائل درهم‌تنیده حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مواجهیم. همچنین در این بین از این مسئله لاینحل نباید غافل شد که هرگز نامی از زنان بی‌شناسنامه در همین آمارهای نادقیق خشونت برده نمی‌شود و بی‌سرنوشت و بی‌هویت رها شده‌اند.

سیستان‌وبلوچستان در فقدان یک چشم‌انداز جامعه‌نگر با مشارکت ساکنانش، به جولانگاه خربیه‌ها و سمن‌هایی تبدیل شده است که بیشتر آنها با ادعای توانمندسازی، فرهنگ‌سازی و بهبود امور وارد آن می‌شوند و منابع حیاتی مادی و انسانی آن را مصرف می‌کنند. با نگاه‌هایی از بالا به پایین، بدون بهره از تخصص‌های لازم و با حرکات نمایشی، حاشیه‌نشینان را که خود صاحبان این آب و خاک‌اند و ثروتی جز سرزمین‌شان نمی‌شناسند، از عزت نفس خالی کرده و مردم محلی را نسبت به ایجاد تغییر بی‌اعتماد می‌کنند. درواقع هیچ نهادی مسئول راستی‌آزمایی، آسیب‌شناسی و بررسی گردش مالی این سازمان‌های به‌اصطلاح مردم‌نهاد یا خیریه نیست و تأثیر فعالیت‌های آن بر جامعه بومی هرگز بررسی نمی‌شود. با چنین چشم‌اندازی امکان فعالیت مدنی نیز کار و صبر مضاعفی را برای فعالان حقیقی می‌طلبد.

در استان سیستان‌وبلوچستان همواره بر برنامه‌های توسعه‌نگر مبتنی بر ایده رشدی بی‌حدوحصر به‌عنوان راهکار «محرومیت‌زدایی» به‌ویژه در سال‌های اخیر تأکید شده است. اگر این برنامه‌ها نتواند مسئله اشتغال ساکنان بومی و نه تقلیل آنها به کارگران ارزان کارفرمایان غیربومی را هدف قرار دهد یا مانع کوچ اجباری مردم از زیستگاه خود به حاشیه شهرها نشود و جلوی افزایش بهای مسکن و سوداگری ملک را نکیرد، برنامه‌های زیست‌محیطی نداشته باشد و پیوست‌های دیگری که کرامت انسانی ساکنان سیستان‌وبلوچستان را محقق کند، چگونه می‌توان به کاهش خشونت علیه زنان امید داشت؟

خبر

## علی‌بابا آمار پراکندگی سفرهای داخلی کاربرانش را منتشر کرد

شرکت سفرهای علی‌بابا، در هشتمین سالگرد تأسیس خود، اطلاعاتی از چگونگی «سفر داخلی» کاربرانش ارائه کرده است. طبق آمار منتشرشده، حدود ۵۸ درصد کاربران این شرکت از سال ۹۹ تاکنون اقدام به سفر به طرق مختلف کرده‌اند. دراین‌بین سفر با هواپیما بیشترین تعداد متقاضی را برای سفرهای داخلی به خود اختصاص داده و اتوبوس و قطار در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نکته جالب این جدول، همپوشانی خرید تعداد قابل توجهی از کاربران است؛ به طوری که برخی از آنها در مدت‌زمان اشاره‌شده با دو یا سه روش مختلف اقدام به سفر کرده‌اند.

محصول	سهم کاربر
قطار	۳۵ درصد
اتوبوس	۴۲ درصد
پرواز داخلی	۵۹ درصد

بخش بعدی آمار منتشرشده، حول کمپین اخیر علی‌بابا در فصل تابستان منتشر شده، جایی که به پراکندگی سفرهای مردم در بازه سه‌ماهه تابستان اشاره شده است. طبق این اطلاعات، حدود نیمی از علاقه‌مندان به سفر از طریق علی‌بابا در این هشتت سال، ماه ابتدایی تابستان را برای سفرهای تابستانه خود در نظر گرفته‌اند؛ آنچه که می‌تواند تابع تعطیلات مدارس و دانشگاه‌ها باشد.

به‌علاوه از مجموع سفرهای تابستانی ثبت‌شده، سفر به جنوب نسبت به شمال کشور از مقبولیت بیشتری برخوردار بوده است. به این ترتیب ۱۲ درصد مسافران، ۲۹ مقصد در استان‌های خوزستان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان و هرمزگان را برگزیده و تنها هشت درصد، ۳۲ نطقه از استان‌های مازندران، گلستان و گیلان را انتخاب کرده‌اند. البته این آمار انعکاس‌دهنده سفر با وسایل حمل‌ونقل عمومی است و به‌طور طبیعی سفر با خودروی شخصی را شامل نمی‌شود.

ماه‌های تابستان	سهم سفرهای تابستانی
تیر	۴۶ درصد
مرداد	۲۶ درصد
شهریور	۲۸ درصد

آرش خسرویان، مدیر بازاریابی علی‌بابا دراین‌باره می‌گوید: «یکی از تأثیرات همه‌گیری کرونا، بروز تغییرات در رفتار سفر مردم بود، به همین خاطر اخیراً به‌طور ویژه بر مطالعه رفتار کاربرانمان بر اساس داده‌های در دست تمرکز کرده‌ایم که نمونه‌ای از آن به‌صورت عمومی به اشتراک گذاشته شده است. این توجه در واقع نقطه تلاش شده تا این پیام به خدمات کنونی سازمان و گسترش خدمات علی‌بابا در آینده است تا به نیازهای جامعه به بهترین شکل پاسخ دهیم.»

وی افزود: «کمپین تابستان ما که بخش‌هایی از آن را در قالب بیلبورد در سطح شهر دیده‌اید، به طور خاص به نمایش رفتارهای مختلف مصرف‌کننده در سفر، مثل انتخاب بین سفر به شمال یا جنوب، یا سفر با قطار یا هواپیما پرداخته است. همچنین تلاش شده تا این پیام به مخاطب مخابره شود که علی‌بابا همه مدل‌ها و سلیاق سفر در کشور را پوشش می‌دهد و همسفر هر سفر مردم است.» پرواز خارجی، هتل داخلی و هتل خارجی از دیگر محصولات علی‌بابا هستند که در این به‌روز‌رسانی، به دلیل تمرکز بر نوع سفرهای داخلی جامعه قید نشده‌اند. علی‌بابا با حدود ۱۰۰۰۰ نفر نیرو، حدود ۴۰ درصد بازار گردشگری کشور را در اختیار دارد و اخیراً در گزارش عملکرد سالانه خود، به جنبه‌های دیگر حوزه گردشگری کشور پرداخته بود.



خبر

## انتقاد پلیس از وزارت بهداشت درباره تصادفات

**شرق**؛ رئیس پلیس راهنمایی و رانندگی فراجا ضمن انتقاد از بی‌توجهی برخی از دستگاه‌ها به وظایف خود در امر کاهش جان‌باختگان و آسیب‌دیدگان تصادفات رانندگی بار دیگر بر ضرورت افزایش ایمنی خودرو و جاده و همچنین اصلاح قوانین به منظور افزایش بازاریانگی آن تأکید کرد. سردار سیدکمال هادیانفر در ادامه از عملکرد وزارت بهداشت در مواجهه با تصادفات رانندگی انتقاد کرد و گفت: چرا وزارت بهداشت هیچ کاری با تصادفات ندارد، چرا هیچ گامی برنمی‌دارد، با سلام و صلوات که کار پیش نمی‌رود، من هم می‌توانم بی‌استدما و تشکر کنم و بعد از پنج سال هم یک لوح تقدیر بگیرم و بروم اما ما فردا جواب مردم را چگونه می‌خواهیم بدهیم؟ چه جوابی در برابر آمار فوتی‌ها و جان‌باختگان خواهیم داشت؟ اینها موارد مهمی است که باید توجه کنیم. رئیس پلیس راهور فراجا افزود: معتقدم که با ساده‌ترین اقدام و حداقل منابع هم می‌توانیم از آمار جان‌باختگان و مصدومان حوادث رانندگی کم کنیم. هادیانفر از عملکرد دولت قبل در قبال تصادفات نیز انتقاد کرد و گفت: دولت به استناد ماده ۱۰۸ مسئولیت داشته و نه فقط این دولت بلکه همه دولت‌ها مسئولیت دارند اما چرا رسیدگی نکردند؟ چرا هشت سال در دولت بودند و هیچ کاری نکردند و در یکی از کمیسیون‌ها حضور پیدا نکردند. خوشبختانه جلسه عالی ترافیک شب عید با حضور رئیس جمهوری برگزار شد؛ اما این جلسه باید دست‌کم هر سه ماه یک بار برگزار شود. رئیس پلیس راهور فراجا با اشاره به حجمه‌هایی که بعد از انتقادات وی از کیفیت خودروها روانه وی شد، افزود: در حوزه سبتری اصلی داریم به نام اصل لاجبک یعنی این‌طور تصور کنید که ممکن است ما مساحتمانی را ببینیم و در ظاهر همه چیز عادی باشد اما مثلاً فرض کنید اگر با یک عینکی به آن نگاه کنیم هکرها و اقداماتی را می‌بینیم که قصد نفوذ به آنجا را دارند. چیزهایی که در ظاهر دیده نمی‌شوند اما در باطن فشار و حجمه آن وجود دارد. اگر به من هم نگاه کنید همین مشکلات را دارم و شاید با همین دید، امروز من با یک لباس پاره یا زخم‌های بر تن اینجا هستم. چراکه خیلی‌ها مانع شدند و ما را کشیدند که حرفی نزنیم اما واقعیت این است که بعد از تصادف بهبهان دیگر آستانه تحمل ما تمام شد و تصمیم گرفتیم راجع به خودرو حرف بزنیم.

# زمینه‌ها و ریشه‌های خشونت علیه زنان در سیستان و بلوچستان

**ندا رضایی**؛ زن‌کشی و خودکشی زنان به‌عنوان عریان‌ترین شکل خشونت علیه زنان در مناطق پیرامونی، آمار نسبتاً بالایی دارد. این در حالی است که بسیاری از موارد در رسانه‌ها بازتاب نمی‌یابد و در آمار منعکس نمی‌شود. این خیرها بیشتر در حلقه‌های خصوصی زنان دهان به دهان می‌چرخد و به ندرت در خود جامعه محلی سرورودا به پا می‌کند و اگر پرداخت داستانی جذابی داشته باشد، گاهی رسانه‌ای هم می‌شود. نمونه آن قتل دو دختر از دانشاری که رسانه‌ها تنها شیوه قتل دختران (تیرباران) و روایت فرار آنها را منعکس کردند. در هیچ‌یک از خیرها عنوان نشد این دو دختر تحت چه شرایطی و چگونه به زادگاه خود بازگردانده شده‌اند. همچنین مرگ هول‌آور و شکنجه جمعی هاجره نیز دو سال گذشته واکنش‌های زیادی را در پی داشت. اما داستان‌های زیادی ارزش روایی پیدا نمی‌کنند؛ به‌ویژه روایت‌های خودکشی زنان. از «ز» ۱۸ساله تنها می‌دانیم بعد از ضرب و جرح شدید اقدام به خودسوزی کرد. همسایه‌ها بارها صدای ضجه‌هایش را شنیده بودند و این اولین اقدام به خودسوزی او هم نبود. گویا به او اجازه ادامه تحصیل در دانشگاه را هم نداده بودند. از «ف» ۱۷ساله که در اسفند خودسوزی کرده، می‌دانیم که قربانی کودک‌همسری و خشونت بیش از حد بود.

از «ن» ۱۶ساله که در همین خرداد خودکشی کرد نیز یک شرح کلی می‌دانیم. او هم نخستین‌بارش نبود خودکشی می‌کرد. اینها به همراه موارد دیگر حتی در رسانه‌های محلی نیز منعکس نمی‌شود. هرچه پیش‌تر می‌رویم با بسته‌شدن هرچه بیشتر امکان‌ها و افق‌های زندگی بهتر برای فرودستان و حاشیه‌نشینان نظیر امکان تحصیل و کسب درآمد، رابطه چندسویه خشونت‌خیز زنان در ارتباط با مسائل اجتماعی و اقتصادی معنا پیدا می‌کند. ما هرگز آمار دقیقی از میزان خشونت‌های منجر به قتل یا خودکشی نداشته‌ایم که بتوانیم قیاس کنیم؛ اما گزارش‌ها، روایت‌ها و مصاحبه‌های میدانی که گهگاه در محافل بسته و گروه‌های مجازی نقل یا منتشر می‌شود، از خشونت‌ی عریان‌تر و عادی‌شده‌تر از پیش حکایت دارد. درباره ریشه‌ها و عوامل تشدیدکننده خشونت علیه زنان دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد. بسیاری از فعالان مرکز زن مسائل در محصل شرایط فرهنگی می‌دانند و برخی تنها بر سنن جامعه محافظه‌کار تأکید می‌کنند و آن را ناشی از مردسالاری نهادینه‌شده می‌دانند. برخی از فعالان زنان و کودکان نیز بسر راهکارهای حقوقی اصرار می‌ورزند و بیشتر بر تعیین سن قانونی ازدواج و جلوگیری از ازدواج کودکان به‌عنوان یکی از عوامل اصلی بازدارنده خشونت تأکید می‌کنند؛ حال آنکه بسیاری از این ازدواج‌ها با خطبه عقد غیررسمی یا به‌اصطلاح عقد بلوچی جاری می‌شود و در جایی ثبت نمی‌شود. البته لازم به ذکر است که سیاست‌های جدید فرزندآوری در حاشیه‌ها می‌تواند آمار کودک‌همسری را بیش از پیش رشد دهد. درعین حال، ایجاد خانه‌های امن بیشتر برای زنان خشونت‌دیده هم از جملهغدغه‌هایی است که با توجه به بافتار سنتی جامعه امکان اجراشدن این‌دست نسخه‌های فرادستانه بعید به نظر می‌رسد.

برواضحت است که تغییر، مدارا و برابری را نمی‌توان به اجتماع انسانی تحمیل کرد. می‌توان گفت خشونت‌ی که امروز علیه زنان رواست، بازتاب

